

## معرفی، نقد، و بررسی کتاب فرهنگ فلسفه دکارت

سیدمصطفی شهرآیینی\*

### چکیده

در مقاله پیش رو — چنان‌که از عنوانش پیداست — می‌خواهیم به معرفی، نقد، و بررسی فرهنگ فلسفه دکارت، نوشته جان کاتینگم و با ترجمه علی افضلی پردازیم. جان کاتینگم، دکارت‌شناس و مترجم آثار دکارت، این کتاب را با عنوان *A Descartes Dictionary* به سال ۱۹۹۳ نوشته و انتشارات Blackwell آن را منتشر کرده است. این کتاب را دکتر علی افضلی، مترجم/اعتراضات و پاسخ‌ها، به سال ۱۳۹۰ به فارسی برگردانده و انتشارات مؤسسه حکمت و فلسفه منتشر کرده است. در بهار ۱۳۹۱، این کتاب اثر برگزیده بیستمین دوره جایزه کتاب فصل معرفی شد. نویسنده قصد دارد، در مقدمه مقاله، نخست معرفی اجمالی از نویسنده کتاب ارائه دهد و در ادامه به معرفی و نقد و بررسی اجمالی خود کتاب پردازد، و سرانجام پیش از ورود به بخش اصلی مقاله، مترجم کتاب به اجمال معرفی شود. نقد و بررسی ترجمه فارسی این فرهنگ فلسفی که بخش اصلی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد، در دو بخش صوری و محتوایی تنظیم شده که نخست از جنبه صوری و شکلی به نقد و ارزیابی می‌پردازیم و در بخش دوم ترجمه را از منظر محتوایی و تخصصی بررسی می‌کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** دکارت، کاتینگم، افضلی، فرهنگ فلسفی، فارسی‌نویسی.

### ۱. مقدمه

بایسته است پیش از نقد و بررسی فرهنگ فلسفه دکارت، در مقدمه به چند نکته پردازیم؛

\* استادیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز m\_shahraeen@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲

نخست معرفی کوتاهی از جان کاتینگم، دکارت‌شناس و مترجم آثار دکارت، نویسنده کتاب بیاوریم. سپس خود اثر یعنی *A Descartes Dictionary* را نیز به‌اجمال به خوانندگان بشناسانیم و سرانجام، با اشاره‌ای به شرح حال علمی مترجم اثر، علی‌افضلی، مقدمه را به پایان ببریم و به سراغ اصل مطلب، یعنی نقد و بررسی ترجمه فارسی این اثر، برویم.

### ۱.۱ معرفی نویسنده کتاب

جان کاتینگم، متولد ۱۹۴۳، دکارت‌شناس معاصر و مترجم آثار دکارت به انگلیسی، استاد ممتاز و بازنشسته فلسفه از دانشگاه ریدینگ انگلستان است. موضوع رساله دکتری او، در دانشگاه آکسفورد، «رنه دکارت» بوده است. حوزه‌های اصلی پژوهشی کاتینگم عبارت‌اند از فلسفه اوایل دوره مدرن (به‌ویژه دکارت)، فلسفه اخلاق، و فلسفه دین و معنای زندگی. از نشان‌ویژه‌های آثار کاتینگم در حوزه دکارت‌پژوهی که به او در میان دیگر دکارت‌شناسان جایگاه ممتازی بخشیده این است که او مترجم آثار دکارت از لاتین و فرانسه به انگلیسی نیز هست و همین امر سبب شده تا با دقت‌نظر خاص یک مترجم به شرح و تفسیر پاره‌ای از دشواری‌های نهفته در آثار دکارت بپردازد که در ادامه نمونه‌های این دقت‌نظر را می‌آوریم.<sup>۱</sup>

### ۲.۱ معرفی کتاب

کتاب *A Descartes Dictionary*، که مترجم آن را با عنوان فرهنگ فلسفه دکارت به فارسی برگردانده، یکی از مجلدات مجموعه فرهنگ فیلسوفان<sup>۲</sup> است که انتشارات Blackwell در زمره کتاب‌های مرجع<sup>۳</sup> خود تاکنون درباره فیلسوفانی مانند دکارت، لاک، کانت، هگل، هایدگر، و ویتگنشتاین منتشر کرده است.<sup>۴</sup>

چنان‌که کاتینگم در همان آغاز این فرهنگ یادآوری می‌کند، در نگارش آن به آثار خود دکارت بسنده کرده و از پرداختن به آثار مربوط به دکارت و فلسفه او دوری جسته است. در واقع، آنچه مدنظر او بوده «دنبال‌کردن خطوط اصلی تفکر دکارت» با استناد به آثار خود اوست. روشن است که برای تأمین این هدف، چنان‌که خود نویسنده نیز بدان تصریح دارد (صفحه ۲ ترجمه فارسی)، دست به گزینش زده و آنچه را از منظر خویش مهم‌تر یافته در این فرهنگ گنجانده و از آوردن بسیاری مدخل‌ها نیز چشم پوشیده است. از برجستگی‌های این فرهنگ باید به احاطه نویسنده بر تمامی آثار دکارت اشاره کرد که این امر به جهت آن

است که کاتینگم از زاویه دید مترجمی چیره دست که هم به زبان لاتین و همه به فرانسه تسلط کامل دارد، تقریباً همه آثار دکارت را از نظر گذرانده است و به نکات باریکی توجه کرده که از دید بسیاری از دکارت‌شناسان دیگر دور مانده است.

در اینجا، برای روشن شدن مطلب، نمونه‌ای از باریک‌بینی‌های نویسنده فرهنگ پیش رو را می‌آوریم. جان کاتینگم در مدخل *Cogito ergo sum* عبارت مشهور کوژیتو را برخلاف دیگر دکارت‌شناسان که آن را در قالب زمان حال ساده و به صورت: 'I think, therefore I exist' می‌فهمند، در قالب زمان حال استمراری و به صورت 'I am thinking, therefore I exist' به انگلیسی برگردانده است. اما این تنها تفاوتی ساده در ترجمه نیست، بلکه به تفاوت در تفسیری بازمی‌گردد که کاتینگم از کوژیتو در نظام فکری دکارت دارد.<sup>۵</sup>

#### ۱.۲.۱ برجستگی‌ها و کاستی‌های کتاب

برای آن‌که برجستگی‌ها و کاستی‌های این فرهنگ را در حوزه مطالعات دکارت‌شناسی بهتر دریابیم، بی‌مناسبت نیست آن را با فرهنگ دیگری درباره دکارت بسنجیم که به فاصله چندسالی پس از این فرهنگ منتشر شده است. این اثر فرهنگ تاریخی دکارت و فلسفه دکارتی نام دارد که به سال ۲۰۰۳، یعنی درست ده سال پس از فرهنگ دکارت، منتشر شده است.<sup>۶</sup>

فرهنگ دکارت نسبت به این فرهنگ در چهار مورد برتری محسوس دارد:

۱. یک‌دستی مدخل‌ها که همه از منظر واحدی به نگارش درآمده‌اند؛
  ۲. سطح بالای تخصصی و تحلیلی مدخل‌ها که نشان از احاطه نویسنده به ابعاد گوناگون تفکر دکارت دارد؛
  ۳. مدخل‌های این فرهنگ به لحاظ استناد به آثار متعدد دکارت به مراتب غنی‌تر و پربارتر از مدخل‌های فرهنگ تاریخی دکارت و فلسفه دکارتی است؛
  ۴. نمایه‌ای که در پایان فرهنگ آمده و تمامی مدخل‌ها و اعلام را در خود جای داده، و به این لحاظ بر فرهنگ تاریخی برتری دارد، چون آن فاقد هرگونه نمایه‌ای است؛
  ۵. ترجمه انگلیسی نقل قول‌های صورت گرفته از متون دکارت در اثر کاتینگم نسبت به ترجمه نقل قول‌ها در فرهنگ تاریخی دقیق‌تر و فلسفی‌تر به نظر می‌رسند.
- اما در مقایسه میان این دو فرهنگ، به کاستی‌هایی نیز در فرهنگ فلسفه دکارت برمی‌خوریم که نمی‌توان به سادگی از آن‌ها چشم پوشید:

۱. کمبود تعداد مدخل‌ها؛ فرهنگ تاریخی بیش از ۴۰۰ مدخل را در خود جای داده، در حالی که در فرهنگ دکارت تنها ۱۴۳ مدخل وجود دارد؛
۲. اختصاص ندادن هیچ مدخلی به اندیشمندان بزرگ هم‌دوره دکارت (از منتقدان و حامیان و پیروان)، در حالی که در فرهنگ تاریخی دست‌کم یک‌سوم مدخل‌ها به همین اندیشمندان اختصاص دارد؛
۳. اختصاص ندادن هیچ مدخلی به فیلسوفان و مکاتب فلسفی پیش از دکارت (از باستان و سده‌های میانه و دوره نوزایی و معاصران) که در فلسفه او تأثیری داشته‌اند در حالی که در فرهنگ تاریخی کم‌تر مکتب فلسفی و نام فیلسوفی هست که به رابطه و نسبت آن با نظام فکری دکارت پرداخته نشده باشد؛
۴. سیطره نگاه واحد یک دکارت‌شناس در سرتاسر فرهنگ تا جایی که برای آشنایان با دیگر آثار کاتینگم، در این فرهنگ کم‌تر مطلب تازه‌ای به چشم می‌خورد که او در دیگر آثارش به آن‌ها نپرداخته باشد، و در یک کلام، بیش از آن‌که فرهنگی به معنای جامع کلمه باشد، گویی کاتینگم آرای خود را درباره هر مدخل بیان کرده است، در حالی که در فرهنگ تاریخی نظر به این‌که پنج دکارت‌شناس از منظرهای گوناگون آن را تدوین کرده‌اند و سرویاستاری مستقلی هم بر این فرهنگ نظارت داشته است، از جامعیت به مراتب بالاتری برخوردار است؛
۵. محدود کردن فرهنگ به دوره زندگانی دکارت یعنی از ۱۵۹۶ تا ۱۶۵۰ در حالی که در فرهنگ تاریخی این محدودیت برداشته شده و از دوره باستان و سده‌های میانه شروع کرده و تا سال ۱۷۲۰ را دربرمی‌گیرد؛
۶. کتاب‌شناسی بسیار گزینشی و تقریباً مختصر در حوزه آثار مربوط به دکارت و دکارت‌پژوهی که این امر وقتی در مقایسه با فرهنگ تاریخی قرار می‌گیرد، ضعف آن آشکار می‌شود. درباره آثار نوشته‌شده درباره دکارت و مکتب دکارتی اثری وجود دارد با عنوان *Bibliographia Cartesiana: A Critical Guide to the Decartes' Littrature 1800-1960* نوشته G. Sebba که حدود ۳۵۰۰ عنوان اثر را در خود جای داده است و مجلد دوم این اثر که در حال آماده شدن است، آثار نوشته‌شده از سال ۱۹۶۰ به بعد را شامل می‌شود. در فرهنگ تاریخی فهرستی شامل حدود ۷۰۰ عنوان را از همین اثر پیش‌گفته برگزیده و آورده است و در آغاز کتاب‌شناسی نیز مقدمه‌ای مفصل و بسیار راهگشا آمده است که به خواننده برای یافتن منابعی باز هم بیشتر از آنچه در این کتاب آمده یاری می‌رساند. اما در فرهنگ

دکارت هیچ نامی از این اثر مهم به میان نیامده است، و فهرستی بسیار کوتاه و ناتمام، تنها در بردارندهٔ ۸۴ عنوان کتاب، آمده است.

### ۳.۱ معرفی مترجم کتاب

مترجم فارسی، بر اساس آنچه در تارنمای مؤسسهٔ حکمت و فلسفهٔ ایران آمده، متولد ۱۳۳۶، فارغ‌التحصیل دکتری فلسفه از دانشگاه تهران و در حال حاضر دانشیار مؤسسهٔ حکمت و فلسفهٔ ایران هستند. حوزه‌های تخصصی اصلی عبارت‌اند از: فلسفه و کلام اسلامی، فلسفهٔ غرب (به‌ویژه دکارت)، فلسفه و کلام تطبیقی. شناخته‌ترین اثری که از ایشان در حوزهٔ فلسفه در دست است، ترجمه و شرح/اعتراضات و پاسخ‌هاست که بخشی از این اثر موضوع پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد و بخشی دیگر هم موضوع پایان‌نامهٔ دکتری‌شان بوده است که زیر نظر احمد احمدی، استاد فلسفه و مترجم تأملات در فلسفهٔ اولی، به انجام رسیده است. این اثر به سال ۱۳۸۴ منتشر و سال ۱۳۸۵ برندهٔ جایزهٔ کتاب سال شده است.

## ۲. نقد، بررسی، و ارزیابی فرهنگ فلسفهٔ دکارت

### ۱.۲ نقد و بررسی صوری و شکلی

فرهنگ فلسفهٔ دکارت کتابی است در قطع وزیری و جلد سخت (گالینگور) در حدود ۴۰۰ صفحه<sup>۷</sup> که انتشارات مؤسسهٔ حکمت و فلسفهٔ ایران آن را به سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است. کتاب بعد از صفحهٔ عنوان و شناسنامهٔ اثر و مشخصات ناشر، شامل صفحهٔ تقدیمی است، و متن اصلی کتاب در بردارندهٔ ۹ بخش است که به ترتیب آن‌ها را در ذیل می‌آوریم:

۱. مقدمهٔ مترجم؛
۲. گاهشمار زندگی و آثار دکارت؛
۳. سرآغاز [قدردانی مؤلف]؛
۴. تذکری دربارهٔ استفاده از این کتاب؛
۵. علائم اختصاری؛
۶. مقدمهٔ مؤلف: زندگی و آثار دکارت؛
۷. فرهنگ فلسفهٔ دکارت (A-Z)؛
۸. کتاب‌نامه؛
۹. فهرست‌ها<sup>۸</sup>.

بهتر است در نقد صوری کتاب از طرح روی جلد و مطالب مندرج در آن آغاز کنیم. طرح جلد ترجمه فارسی که یک طرف آن عنوان فارسی و طرف دیگر عنوان انگلیسی اثر درج شده است تقریباً روگرفتی است از همان طرح جلد متن انگلیسی، البته با تغییراتی.<sup>۹</sup> اما در روی جلد سمت چپ که مربوط به عنوان انگلیسی است عنوان بالای صفحه با اشتباهی کوچک حروف چینی شده است، یعنی واژه انگلیسی Philosopher که در عنوان بالای صفحه متن اصلی مفرد آمده، در عنوان بالای صفحه فارسی به صورت جمع Philosophers درج شده است.<sup>۱۰</sup>

در صفحه مربوط به شناسنامه کتاب، در سرشناسه کتاب، نام نویسنده اثر **جان کاتینگهام** درج شده در حالی که روی جلد و در سایر موارد این نام به صورت **جان کاتینگم** آمده است. در ادامه می‌کوشیم، به جای بررسی موردی ایرادات صوری، آن‌ها را ذیل چند دسته کلی بیاوریم و برای هر کدام نمونه‌هایی را از کتاب ذکر کنیم:

۱. **استفاده از واژگان بیگانه در ترجمه:** مترجم محترم واژگان انگلیسی متعددی مانند *mechanical model, systematic, type, paragraph, idea, mechanism, physiology, organic, channel, chance, dramatic* را به فارسی برگردانده و همان معادل‌های انگلیسی را به رسم‌الخط فارسی درآورده است. در حالی که به نظر می‌رسد برای این واژگان برابره‌های فارسی کاملاً گویا و رایجی وجود دارد که بهتر بود از آن‌ها در ترجمه استفاده می‌شد.<sup>۱۱</sup>

۲. **استفاده زیاد از صیغه مجهول در ترجمه:** مترجم محترم در ترجمه هرگز از به‌کارگیری صیغه مجهول افعال دست‌نگه نداشته و تقریباً در بیشتر مواردی که در نثر انگلیسی فعل به صیغه مجهول بوده او نیز به همان صیغه (البته گاه با تغییر زمان و شخص) جمله به فارسی برگردانده است. در حالی که به نظر می‌رسد استفاده از فعل مجهول در نثر فارسی رایج نیست و در متون ادب فارسی شاید بتوان گفت صیغه مجهول کم‌یاب است. نمونه‌ای را از متن کتاب می‌آوریم: در صفحه ۳۷ ترجمه، در ۲۰ سطر، که حدود ۲۳ جمله بیشتر نیست، ۷ جمله را به صیغه مجهول ترجمه کرده است. می‌توان گفت تقریباً در هر صفحه بیش از ۲ بار فعل مجهول به کار رفته است.

۳. **استفاده مکرر از تعبیر «هرچند ... اما»، «اگرچه ... ولی» و تعابیر مشابه:** مترجم محترم در تمام طول ترجمه این تعابیر را که در ویرایش فارسی نادرست به نظر می‌رسد و بهتر است تنها یکی از آن‌ها را به کار ببریم<sup>۱۲</sup> استفاده کرده است. برای نمونه، می‌توان به

صفحه ۶، ابتدای بند دوم، و صفحه ۲۰، سطرهای ۷ و ۸ و صفحات ۵۵ و ۵۶ و صفحات ۷۴ و ۸۰ مراجعه کرد. گفتنی است در مواردی (برای نمونه، صفحات ۵۵ تا ۵۶ فارسی؛ ۳۰ انگلیسی) که نویسنده انگلیسی تعبیر *although* را به درستی تنها آورده، مترجم، تعبیر *but* را خودش در ترجمه در نظر گرفته و داخل قلاب به متن فارسی افزوده است.

۴. استفاده مکرر از نشانه نقل قول انگلیسی "" به جای گیومه فارسی (۰): برای نمونه می توان به صفحه ۵ آغاز بند سوم، صفحه ۶ سطر نخست، و صفحه ۷ سطر چهارم مراجعه کرد که این امر سبب نازیبایی رسم الخط کتاب شده است.

۵. استفاده نکردن از حروف خوانیده (ایتالیک) در حروف چینی عبارات غیر انگلیسی: به نظر می رسد شیوه درست حروف چینی واژگانی که به غیر از زبان اصلی متن هستند، باید با حروف خوانیده باشد تا منظور نویسنده از آوردن آن ها به زبان اصلی برجسته تر شود. این امر (جز در اندک مواردی) نه در متن اصلی و نه در پانوشت ها رعایت نشده است.

۶. راست چین بودن تمام پانوشت ها اعم از لاتین و فارسی: به نظر می رسد شیوه درست در پانوشت لاتین آن است که آن ها را به صورت چپ چین مرتب کنیم تا هم خواندنشان آسان تر باشد و هم زیباتر به نظر برسند. اما این امر در این کتاب یک سره مغفول مانده است.

۷. درج نادرست مدخل ها: به نظر می رسد اگر قرار است ترتیب الفبایی انگلیسی در فرهنگ اصل قرار گیرد، بهتر می بود نخست هر مدخلی به انگلیسی به صورت چپ چین می آمد و با یک سطر فاصله معادل فارسی آن به صورت راست چین در برابر آن قرار می گرفت و در حروف چینی مدخل انگلیسی و فارسی قلم یکسانی استفاده می شد. در حالی که در ترجمه پیش رو، نخست مدخل به زبان انگلیسی، راست چین و با قلم تیره درج شده و معادل فارسی آن در مقابلش داخل دو هلال و با قلم معمولی آمده است.

۸. ناهماهنگی در درج نام کتاب ها و آثار: در آوردن نام کتاب ها هیچ رسم الخط واحدی اعمال نشده، تا جایی که در جایی نام کتاب درون گیومه قرار گرفته (سطر آخر صفحه الف)، در جایی با حروف خوانیده (ایرانیک) آمده (صفحه پ، سطر دوم از پایین)، در جایی دیگر بی هیچ نشانه ای با همان قلم متن حروف چینی شده (صفحه ۹۷، سطر ۳) و سرانجام در جایی نیز نام کتابی با قلم تیره و با حروف خوانیده درج شده است. به نظر می رسد شیوه درست آن است که نام آثار را همواره با حروف خوانیده (ایرانیک) بیاوریم.

۹. آوردن همه نقل قول ها در داخل گیومه و به صورت بند مستقل: مترجم محترم

تمامی نقل قول‌هایی را که در متن اصلی بوده، به صورت بندهای جداگانه درآورده و درون گیومه قرار داده است. به نظر می‌رسد شیوه درست درباره نقل قول‌ها این باشد که نقل قول‌های کوتاه کمتر از یک بند را درون گیومه قرار دهیم تا آغاز و پایان نقل قول معلوم باشد. اما درباره نقل قول‌های طولانی‌تر که به اندازه یک بند و بیشتر از آن هستند باید در بند یا بندهای جداگانه بیاوریم و آن را با قلمی ریزتر از متن اصلی و با تورفتگی از دو طرف یا از یک طرف مشخص و برجسته کنیم. در حالی که در ترجمه پیش رو همه نقل قول‌ها به صورت بندی جداگانه، درون گیومه و با همان قلم متن حروف چینی شده‌اند.

**۱۰. اطلاق نادرست عنوان فهرست‌ها بر نمایه مدخل‌ها و اصطلاحات و اعلام و واژه‌نامه و منابع:** به نظر می‌رسد آنچه در این بخش هست، فهرست به معنای رایج کلمه نیست و بهتر بود عنوان نمایه‌ها برای این بخش انتخاب می‌شد و بخش مربوط به مدخل‌ها و نمایه در ذیل آن قرار می‌گرفت. بخش مربوط به واژه‌نامه شامل فارسی به لاتین و لاتین به فارسی و بخش منابع هم جداگانه می‌آمدند.

**۱۱. موارد دیگری که به ندرت در ترجمه به چشم می‌خورد:** استفاده زیاد از کلمات تنوین دار عربی<sup>۱۳</sup>؛ استفاده از رسم الخط غلط در نگارش پاره‌ای کلمات<sup>۱۴</sup>؛ رسم الخط دوگانه در نگارش<sup>۱۵</sup>؛ غلط‌های فاحش در فارسی‌نویسی مانند پیشنهادات در صفحه (ج) از پایین سطر ۵، و نوشتجات در سطر نخست از صفحه ۲۹۵؛ استفاده از تعبیر خارجی به فارسی و فارسی به خارجی در فهرست مدخل‌ها و واژه‌ها، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و بهتر بود به جای خارجی واژه لاتین گذاشته می‌شد.

## ۲.۲ نقد و بررسی محتوایی

در این قسمت در دو بخش به نقد و بررسی محتوایی ترجمه می‌پردازیم. در بخش آغازین، نگاهی انتقادی خواهیم انداخت به عنوان ترجمه و مقدمه مترجم؛ در ادامه، و در بخش دوم می‌کوشیم از زاویه دید مترجمی فلسفی به این اثر بنگریم و به بررسی این امر پردازیم که ترجمه از حیث وفاداری به متن و انتقال منظور نویسنده انگلیسی‌زبان به خواننده فارسی‌زبان چگونه است. در این بخش، در چهارچوب تخصصی فلسفه دکارت ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا ببینیم مترجم در بیان فلسفی و تخصصی مطلب و در برابرگزینی دانش‌واژه‌های فلسفه دکارت تا چه اندازه توفیق داشته است.



## ۱.۲.۲ نقد عنوان اثر و مقدمه مترجم

پیش از آن که به متن اصلی ترجمه پردازیم بهتر است نگاهی انتقادی به عنوان ترجمه و مقدمه مترجم بیندازیم. اگر عنوان متن اصلی را با عنوان ترجمه بسنجیم به این نکته پی می‌بریم که عنوان ترجمه با عنوان متن اصلی سازگاری کامل ندارد. عنوان متن اصلی چنین است: *A Descartes Dictionary*؛ حرف نکره A بدان جهت بر سر عنوان آمده که این فرهنگ یکی از مجموعه فرهنگ فیلسوفان انتشارات Blackwell است که با عنوان کلی و معرفی در بالای جلد متن اصلی پیش از عنوان کتاب چنین درج شده است: THE BLACKWELL PHILOSOPHER DICTIONARIES SERIES. به نظر می‌رسد بهتر بود همان عنوان کلی موجود در روی جلد انگلیسی در روی جلد فارسی ترجمه نیز بالاتر از عنوان اثر، به فارسی درج می‌شد<sup>۱۶</sup>، یا آن که در مقدمه مترجم به این مطلب که این فرهنگ یکی از مجلدات مجموعه فرهنگ فیلسوفان انتشارات Blackwell است اشاره می‌شد. نکته بعدی این که عنوان برگزیده برای ترجمه، اعم از عنوان انگلیسی است و به نظر می‌رسد نه ترجمه عنوان انگلیسی کتاب، بلکه ترجمه عنوانی به این مضمون باشد: *The Dictionary of Descartes' Philosophy*؛ بر این عنوان می‌توان چنین ایراد گرفت که از عنوان انگلیسی اصلاً بر نمی‌آید این فرهنگ، فرهنگ فلسفه دکارت باشد و با مراجعه به متن کتاب هم بسیاری مدخل‌ها مانند گردش خون، رنگ، نیرو، جاذبه و مانند این‌ها وجود دارد که لزوماً در فلسفه دکارت به معنایی که امروزه می‌فهمیم، جای نمی‌گیرند. به نظر می‌رسد اگر همان عنوان انگلیسی با اندک تغییری به صورت فرهنگ دکارت ترجمه می‌شد، گویاتر از عنوان کنونی می‌بود و با متن کتاب سازگارتر می‌نمود.

در خصوص «مقدمه مترجم» نیز نکاتی به نظر می‌رسد که به ترتیب آن‌ها را می‌آوریم:

۱. به نظر می‌رسد بهتر بود مترجم پس از معرفی نویسنده کتاب، فهرست کوتاهی از آثار او را به خواننده معرفی کند.

۲. مترجم محترم در پانوش نخستین صفحه مقدمه، کتاب *اعتراضات و پاسخ‌ها* را «مفصل‌ترین اثر دکارت» معرفی می‌کند که اظهار نظر دقیقی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه تنها بخش پاسخ‌ها در این اثر از آن دکارت است و بخش اعتراضات که شاید نیمی از اثر را تشکیل می‌دهد، اثر دکارت نیست.

۳. مترجم محترم درباره اثر حاضر می‌گوید کاتینگم «در این کتاب تمام واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی‌ای را که به نحوی به آموزه‌های علمی و فلسفی دکارت مربوط است،

... تنظیم و گردآوری کرده ... است»، در حالی که خود کاتینگم در «تذکری درباره کتاب» چنین ادعایی ندارد و می‌گوید «کوشیده‌ام خطوط اصلی تفکر دکارت را دنبال کنم» و به موجب بودن اثر خویش و عدم جامعیت آن اذعان دارد. این ایجاز و عدم شمول آن‌گاه آشکار می‌شود که این فرهنگ را با فرهنگ دیگری که پیش از این بدان اشاره کردیم بسنجیم.<sup>۱۷</sup>

۴. مترجم محترم درباره کتاب حاضر گفته است: «این اثر را تا حدی می‌توان فلسفه‌ای تطبیقی در حوزه فلسفه غرب نیز به شمار آورد»، و دلیل ایشان نیز این است که نویسنده «گاه آرای دکارت را با دیگر فیلسوفان غرب مقایسه می‌کند». نخست این‌که این مقایسه بسیار کم و به ندرت در متن به چشم می‌خورد و دوم این‌که به نظر نمی‌رسد چنین مقایسه‌ای را در یک فرهنگ فلسفی بتوان مصداق فلسفه تطبیقی به شمار آورد.

۵. مترجم محترم گفته‌اند «در پاراگراف بندی، در برخی موارد از متن انگلیسی پیروی نکردم»، در حالی که با مراجعه به متن ترجمه می‌بینیم این عدم پیروی از بندهای معنایی نه در برخی موارد که بارها و بارها و شاید بتوان گفت گاهی چند بار در یک صفحه رخ می‌دهد تا جایی که به شیوه معمولی در ترجمه این فرهنگ تبدیل شده است.<sup>۱۸</sup>

#### ۲.۲.۲ نقد و بررسی ترجمه

در این بخش نیز، به سیاق بخش‌های پیشین، می‌کوشیم مطالب خود را ذیل چند عنوان دسته‌بندی کنیم:

۱. رعایت نکردن بندهای معنایی در متن اصلی: مترجم محترم در تمام مواردی که در متن اصلی نقل قولی وجود داشته<sup>۱۹</sup>، قطع نظر از کوتاه یا بلند بودن نقل قول، آن را در بندی جداگانه آورده است. این امر در مورد نقل قول‌های کوتاه چند سطری، افزون بر این‌که صورت نازیبایی به نوشته داده، سبب شده تا مطلب پیوسته‌ای که نویسنده کوشیده است در یک بند و با آوردن شاهی از متن دکارت در میانه آن به خواننده منتقل کند، دچار گسست شود. برای نمونه، می‌توان به مدخل Idea در صفحات ۱۳۵ تا ۱۴۱ ترجمه و ۷۷ تا ۸۰ متن انگلیسی نگاهی انداخت که مترجم محترم ۴ بند نویسنده انگلیسی را به ۲۰ بند تبدیل کرده است.

۲. ترجمه نادقیق پاره‌ای واژگان: نمونه‌هایی از این بی‌دقتی در ترجمه را می‌آوریم: ترجمه modernity به «جدید» در صفحه ۵؛ ترجمه exposition به «تیین» در صفحه ۲۰؛ ترجمه demonstration of geometrical truths به «برهان حقایق هندسی» در صفحه ۲۰؛ ترجمه genuine به «واقعی» و to utter به «از خود خارج کردن» در صفحه ۲۸؛

ترجمه approach در صفحه ۳۷ و procedure در صفحه ۶۲ به «روش»؛ ترجمه مدخل common notion به «اصل همگانی» در صفحه ۶۹؛ ترجمه truth به «صحت» در صفحه ۱۲۵؛ ترجمه honours به «عزت» در صفحه ۲۲۸؛ این بی‌دقتی در سرتاسر ترجمه کمابیش به چشم می‌خورد.<sup>۲۰</sup>

۳. ترجمه نادرست پاره‌ای واژگان، جملات و عبارات که به فهم فلسفی متن آسیب رسانده است: برای نمونه، جملاتی از متن انگلیسی با قید شماره صفحه انگلیسی و ترجمه آن‌ها را با قید شماره صفحه ترجمه می‌آوریم:

1. This is something that Descartes maintained could not possibly be duplicated by a mere stimulus-response device, whether artificial machine or beast-machine (p. 16).

این چیزی است که به عقیده دکارت، ابزاری که فقط به محرک‌ها پاسخ می‌دهد، اعم از دستگاه مصنوع [بشر] یا دستگاه حیوانی، احتمالاً قادر به تقلید آن نیست (۲۸).

در این جمله کوتاه چند اشتباه در ترجمه رخ داده است:

۱. ترجمه possibly به «احتمالاً» در حالی که این قید در جملات منفی، به معنای «به‌هیچ‌روی» و «اصلاً» و «ابداً» است و ترجمه آن به «احتمالاً» بار معنایی جمله انگلیسی را دگرگون کرده و نظر دکارت را چنان‌که باید به خواننده منتقل نمی‌کند.

۲. ترجمه a mere stimulus-response device به «ابزاری که فقط به محرک‌ها پاسخ می‌دهد» نه ترجمه که تفسیر است و معنای عبارت نویسنده انگلیسی و منظور دکارت را دگرگون کرده است؛ بهتر بود به «یک دستگاه محرک — پاسخ ساده» یا تعابیری مانند این ترجمه می‌شد.

۳. ترجمه beast-machine به «دستگاه حیوانی» نیز نادرست است و باید آن را به «حیوان — ماشین» برگرداند، چون این تعبیر نه ترکیبی وصفی بلکه در نظام دکارتی واژه واحدی است که بر همه موجودات زنده اطلاق می‌گردد. اصولاً این حیوان — ماشین بدن خود انسان را هم شامل می‌شود، چنان‌که در صفحه ۱۹۵ سطر آخر می‌خوانیم که «[در فلسفه دکارت] بدن انسان غالباً نوعی ماشین ... توصیف شده است». اما از تعبیر «دستگاه حیوانی» چنین برمی‌آید که این اصطلاح تنها بر حیوانات اطلاق می‌گردد یا شاید این به نظر برسد که در طرف مقابل «دستگاهی انسانی» هم وجود دارد. اصولاً به نظر می‌رسد، ترجمه ماشین در دکارت به دستگاه غلط است چنان‌که خود مترجم در مدخل machine (صفحه

۱۹۶ ترجمه) همین تعبیر را به «ماشین حیوانی» برگردانده که باز هم نادرست است، ولی از «دستگاه حیوانی» بهتر می‌نماید.<sup>۲۱</sup>

2. *Cogito ergo sum* 'I am thinking, therefore I exist' (p. 34)

می‌اندیشم، پس هستم (صفحه ۶۳)

با دقت در ترجمه انگلیسی عبارت لاتین، درمی‌یابیم که کاتینگم از زمان حال استمراری در ترجمه استفاده می‌کند و بر خلاف دیگر مترجمان دکارت از زمان حال ساده یعنی از 'I think, therefore I exist' بهره نمی‌برد. اما مترجم محترم در زبان فارسی توجهی به این نکته نکرده و عبارت را به همان زمان حال ساده برمی‌گرداند، تا جایی که در این مدخل حدود ۸ بار در دو صفحه ۳۴ و ۳۵ متن انگلیسی کاتینگم در جملات گوناگون از زمان حال استمراری بهره می‌برد که مترجم محترم همه را به حال ساده برمی‌گرداند. شاید در نگاه نخست، این چشم‌پوشیدنی بنماید، اما وقتی به نظر کاتینگم در تفسیر کوژیتو توجه کنیم درمی‌یابیم که استفاده از زمان حال استمراری در ترجمه کوژیتو کلید فهم درست این عبارت است.<sup>۲۲</sup> برای روشن شدن مطلب، جا دارد نقل‌قولی را از خود کاتینگم بیاوریم:

با ژرف‌کاوی در عبارت *cogito ergo sum* که ذکرش گذشت، روشن می‌شود که باید در ترجمه انگلیسی درست واژگان *cogito/je pense* که در بحث دکارت از یقینش درباره وجود خویش ظاهر می‌شوند، به جای زمان حال ساده «می‌اندیشم»، زمان حال استمراری «دارم می‌اندیشم» را به کار برد. زیرا آنچه مرا از وجود مطمئن می‌سازد واقعیتی ایستا و بی‌زمان درباره من نیست، مبنی بر این که من کسی هستم که می‌اندیشد، بلکه این واقعیت است که من همین الان سرگرم اندیشیدن هستم و تا این سرگرمی تداوم دارد وجود تضمین می‌شود. چنان‌که خود دکارت بعدها در تأمل دوم می‌آورد که:

«من هستم، من وجود دارم، این امری یقینی است، اما تا کی؟ تا زمانی که دارم می‌اندیشم»<sup>۲۳</sup> و در اصل هفتم از بخش نخست اصول نیز می‌گوید: «تناقض است که فرض کنیم آنچه می‌اندیشد، در همان زمانی که دارد می‌اندیشد، وجود ندارد» (کاتینگم، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷)<sup>۲۴</sup>

کاتینگم در این زمینه چندان اصرار دارد که حتی عبارت لاتینی '*fallor ergo sum*' آگوستین را نیز، در همین مدخل کوژیتو، به صیغه مجهول در زمان حال استمراری برمی‌گرداند: 'I am being deceived, therefore I exist' [«دارم فریب می‌خورم، پس هستم»]<sup>۲۵</sup> ولی وقتی به ترجمه این عبارت در فارسی می‌نگریم: «فریب می‌خورم، پس هستم»، شوربختانه می‌بینیم که این نیز از نگاه مترجم دور مانده است.

## 3. Discourse on the Method

مترجم محترم در تمام ترجمه، عنوان کتاب *گفتار در روش دکارت* را به «رساله گفتار در روش» یا «رساله گفتار» برمی گرداند، در حالی که در متن اصلی تنها *Discourse on the Method* آمده است.<sup>۲۶</sup> این نکته نیز برای کسی که نگاه تخصصی به تفکر دکارتی ندارد شاید چشم پوشیدنی بنماید، اما وقتی به سخن خود دکارت درباره علت نام گذاری *گفتار در روش* توجه می کنیم، می بینیم که مترجم محترم، درست برخلاف نظر دکارت، این اثر را در تمام ترجمه خویش «رساله» می نامد. اما سخن دکارت در این باره:

نام این اثر را نه رساله در روش بلکه گفتار در روش نهاده ام که به معنای مقدمه یا تداوری درباره روش است تا نشان دهم که قصد من نه آموزش این روش، بلکه فقط سخن گفتن درباره آن است. یعنی چنان که از توضیح من روشن می شود این عنوان بیشتر مربوط به حوزه عمل است تا حوزه نظر (AT I 349; CSMK 53).

## 4. Idea (p. 77)

ایده - مفهوم (صفحه ۱۳۵)

نویسنده در این مدخل رویه یکسانی در معادل گذاری برای این اصطلاح و تمایز گذاری میان آن با سایر اصطلاحات نزدیک به آن ندارد، به گونه ای که از این حیث این مدخل طوری ترجمه شده که خواننده کاملاً سردرگم می ماند و اگر به متن انگلیسی دسترسی نداشته باشد، سرانجام نخواهد فهمید، وقتی مترجم تعبیر «مفهوم» یا تعبیر «تصور» یا تعبیر «ایده» را می آورد معادل واژه انگلیسی است. در این مدخل خواننده در تشخیص میان *Idea*، *concept*، *conception*، و *notion* سرگردان می ماند. به نظر می رسد باید مترجم محترم در همان آغاز در پانوشت توضیح می داد که چرا معادل «ایده - مفهوم» را برای *idea* برگزیده است و تفاوت میان ایده، مفهوم و تصور را توضیح می داد. برای روشن شدن مطلب، این مدخل را به تفصیل مورد بررسی قرار می دهیم.

مترجم محترم در مدخل *idea* این واژه را چنان که می بینیم به «ایده - مفهوم» برگردانده است، در حالی که در همان سطر آغازین، واژه «مفهوم» را به صورت جمع (مفاهیم) برای *concept* به کار می برد. در دو سطر مانده به پایان همین صفحه، دیگر بار واژه «مفهوم» را برای *conception* به کار می برد. در سطر ۵ از بند ۲ و سطر ۲ از بند ۳، صفحه ۱۳۶، «مفهوم» برای *concept* می آید. در همین بند ۳، سطرهای ۲ و ۳ واژه «مفهوم» دو بار دیگر، البته این بار در برابر *notion* به کار می رود. در بند پایانی همین صفحه، به یک باره مترجم

محترم در ترجمه نقل قولی از لاک، بدون هیچ توضیحی و بر خلاف آنچه در عنوان مدخل آورده است، idea را به «تصور» برمی گرداند و چند بار این معادل گذاری تکرار می شود. مترجم محترم دوباره در ادامه، در ۲ بند از صفحه ۱۳۷، به همان معادل «ایده» برای idea بازمی گردد، ولی در بند سوم و چهارم از همین صفحه، حدود ۶ بار از معادل «مفهوم» برای آن استفاده می کند و در سطر آخر این صفحه از تعبیر «مفهوم (ایده)» بهره می برد. در ادامه تا چندین سطر، فقط از معادل «مفهوم» بهره می برد و در سطر دوم از بند دوم صفحه ۱۳۸، واژه «تصور» را در برابر concept به کار می برد. در ادامه، مترجم تا پایان این مدخل فقط از معادل «مفهوم» برای idea بهره می برد.

5. Also included in the same volume as the *Meditations* was a series of OBJECTIONS AND REPLIES, containing Descartes' answers to difficulties raised by various critics (p. 119).

در این کتاب، این نکته هم گنجانده شده است که تأملات مجموعه ای از اعتراضات و پاسخها است که پاسخهای دکارت را به اشکالاتی که منتقدان مختلف مطرح کرده اند دربر دارد (صفحه ۲۰۸).

به نظر می رسد در این جا دو اشتباه عمده رخ داده است، یکی اشتباه آشکار در ترجمه که باید به این صورت ترجمه می شد:

«همین مجلد تأملات مجموعه ای از اعتراضات و پاسخها را نیز شامل می شد که پاسخهای دکارت به اعتراضات مطرح از جانب منتقدان گوناگون را دربر می گرفت.»  
اشتباه دیگری که مهم تر از اولی است، شتاب زدگی مترجم محترم در کار ترجمه است. ایشان که خود از صاحب نظران فلسفه دکارت و مترجم اعتراضات و پاسخها است با اندک دقتی در ترجمه خود از این جمله و یک بار خواندن آن بی گمان متوجه می شد که جمله فارسی او درباره کتاب تأملات و اعتراضات و پاسخها کاملاً نادرست است.

### ۳. نتیجه گیری

رواج و رونق ترجمه متون فلسفی در دهه های اخیر امر پسندیده ای است که هم به ارتقای سطح فلسفه و تفکر فلسفی در جامعه دانشگاهی و در میان فرهیختگان یاری می رساند و هم سبب بالارفتن قابلیت ها و توانایی های زبان فارسی در این حوزه از معارف بشری می گردد. اما آنچه نباید از یاد برد، این است که ترجمه هنری است که باید برای رسیدن به آن کوشش ها کرد و رنج ها برد و این گونه نیست که هر کسی با هر سطحی از توانایی در

تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، دست به ترجمه هر متنی یازد. مترجمان زبردست متون فلسفی استادان ذوفنونی هستند که هم حوزه تخصصی کار خود را می‌شناسند، هم سالیان سال با زبان مبدأ و زبان مقصد انس و اُفتی داشته‌اند. نمونه این بزرگان را می‌توان مرحوم محمدعلی فروغی، یحیی مهدوی، منوچهر بزرگمهر، محسن جهانگیری و ... دانست که دغدغه اصلی آن‌ها ترجمه‌های پرشمار و پرشمارگان نبوده است، بلکه پس از سالیان سال تدریس و تحقیق، و زندگی علمی با فیلسوفی از فلاسفه غرب، به ضرورت بازگرداندن متنی اصیل از متون فلسفی به زبان فارسی پی برده‌اند و با صرف وقت و دقت نظر فراوان به آن کار همت گماشته‌اند و حاصل کارشان همان آثاری شده است که هیچ اهل فلسفه فارسی‌زبانی نیست که به آن‌ها رجوع نکند و از آن‌ها سرمشق نگیرد.

اما آنچه گذشت توجیهی نیست بر این که تا کسی به اندازه این بزرگان نرسد، نباید گام در وادی ترجمه متون فلسفی نهاد، بلکه باید تا می‌توانیم این بازار را گرم و پررونق سازیم. اما آنچه در کنار ترجمه متون فلسفی بایسته است رواج و رونق سنت نقدنویسی بر ترجمه‌هایی است که روانه بازار شده است. این کار هم به ارتقای سطح ترجمه و تحقیق یاری می‌رساند و هم مانع ورود ناهلان به وادی سهل و ممتنع ترجمه می‌شود. و چه نیکوست که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به این مهم دست یازیده است و باشد که حلقه همکاران این پژوهشگاه و زاویه نگاه آن‌ها هرچه بازتر و گشوده‌تر شود تا همه متون ترجمه‌شده و همه نگاه‌های موجود در جامعه دانشگاهی امکان بروز و ظهور بیابند.

سخن پایانی این که نویسنده مقاله خود را دانشجوی دکتر افضلی می‌داند و همواره از آثار ایشان بهره‌های فراوانی برده و می‌برد. آنچه نگارنده مقاله پیش رو از موضع نقد و بررسی فرهنگ فلسفه دکارت آورده، به‌هیچ‌روی به معنای نادیده انگاشتن زحمت فراوان و ستودنی مترجم محترم در کار خویش نیست، که اگر قرار بود محاسن کار نیز بیان شود بی‌گمان در این چند صفحه میسر نمی‌شد. آنچه نباید از یاد برد، احاطه مترجم به جوانب گوناگون فلسفه دکارت و پانوشته‌های بسیار راهگشای ایشان در این اثر است که به خواننده در فهم متن یاری می‌رساند. باید از حسن انتخاب ایشان در افزودن گاهشمار زندگی دکارت به آغاز کتاب یاد کرد و به دقت نظر مثال‌زدنی و زحمت فراوان ایشان در تهیه نمایه بسیار کارگشا و لازم در پایان کتاب نیز اشاره کرد. واژه‌نامه درج‌شده در پایان اثر نیز از مزایای این ترجمه است که برای دانشجویان و حتی متخصصان حوزه دکارت بسیار مفید است.

## پی‌نوشت

۱. از این دکارت‌شناس بزرگ آثار فلسفی متعددی در قالب مقاله و کتاب در دست است که به مهم‌ترین آن‌ها در حوزه دکارت‌شناسی اشاره می‌کنیم:  
ترجمه و ویرایش دوره سه‌جلدی آثار فلسفی دکارت به همراه استوئاف و مرداک و کنی به زبان انگلیسی که تازه‌ترین و پراستنادترین ترجمه آثار دکارت در زبان انگلیسی به‌شمار می‌رود و با حروف اختصاری CSM I & II & CSMK از آن‌ها یاد می‌کنند و در ذیل مشخصات کتاب‌شناختی این اثر را می‌بینید:

CSM *The Philosophical Writings of Descartes*, trans. J. Cottingham, R. Stoothoff & D. Murdoch. 2 vols.

CSMK *The Philosophical Writings of Descartes*, volume III, *The Correspondence*, trans. J. Cottingham, R. Stoothoff & D. Murdoch, A. Kenny.

– عقل‌گرایان (۱۹۸۴)

– دکارت (۱۹۸۶)

*Cambridge Companion to Descartes* (1992) (edited by Cottingham).

فرهنگ دکارت (۱۹۹۳) کتابی که نقد و بررسی ترجمه فارسی آن موضوع مقاله کنونی است؛ ما این اثر را به دلایلی که در ادامه مقاله خواهیم آورد، از این پس، نه فرهنگ فلسفه دکارت بلکه فرهنگ دکارت می‌نامیم. البته در مواردی که ترجمه فارسی آن مدنظر باشد، همان عنوان مترجم فارسی را به‌کار خواهیم برد.

– فلسفه ذهن دکارت (۱۹۹۷)

– دکارت (۱۹۹۸) (مجموعه مقالات؛ ویراستار)

– تأملات دکارتی (۲۰۰۸) (مجموعه مقالات، نویسنده)

2. THE BLACKWELL PHILOSOPHER DICTIONARIES SERIES

3. BLACKWELL *Reference*

۴. بایسته است پیش از هر چیز مشخصات کتاب‌شناختی این اثر را بیاوریم:

Cottingham, John (1993), *A Descartes dictionary*, (The Blackwell philosopher dictionaries).

این کتاب ۱۹۳ صفحه‌ای (شامل ۱۸۷ صفحه متن اصلی کتاب و ۶ صفحه آغازین بدون شماره شامل صفحات عنوان، اطلاعات فیفا، فهرست، سرآغاز و ۲ صفحه خالی) بر اساس متن انگلیسی چنان‌که از فهرست آن پیداست، شامل هفت بخش است که به ترتیب عبارت‌اند از:  
۱. دیباچه‌ای بسیار کوتاه شامل سپاس‌گزاری از ویراستار؛



۲. یادداشتی درباره استفاده از کتاب؛
۳. اختصارات؛
۴. مقدمه نسبتاً مفصلاً درباره زندگی و آثار دکارت؛
۵. مدخل‌ها به ترتیب الفبایی از حرف A تا Z؛
۶. کتاب‌شناسی بسیار گزینشی شامل مهم‌ترین آثار در چهار بخش: (۱) متون و ویراست‌های آثار دکارت؛ (۲) متون و ویراست‌های آثار نویسندگان پیش از سده بیستم؛ (۳) آثار عمومی و مجموعه‌های مربوط به دکارت؛ (۴) مطالعات تخصصی‌تر و دیگر آثار؛
۷. نمایه‌ها شامل تمام مدخل‌ها (که با حروف بزرگ مشخص شده‌اند) و اصطلاحات تخصصی و اعلام.
۵. متأسفانه این نکته کلیدی و مهم از دید مترجم فارسی هم دور مانده است که در ادامه با تفصیل بیشتری بدان می‌پردازیم.
۶. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر به شرح ذیل است:  
*Historical Dictionary of Descartes and Cartesian Philosophy*, (2003) by Roger Ariew, Dennis Des Chene, Douglas M. Jesseph, Tad M. Schmaltz & Theo Verbeek (Historical Dictionaries of Religions, Philosophers, & Movements; NO. 46 Edited by Jon Woronoff), The Scarecrow Press, Inc.
۷. ۳۸۵ صفحه متن اصلی ترجمه؛ ۱۰ صفحه افزوده‌های مترجم شامل مقدمه و گاه‌شمار زندگی دکارت که با حروف الفبا شماره‌گذاری شده؛ و حدود ۵ صفحه آغازین شامل صفحات عنوان و شناسنامه کتاب و تقدیم و فهرست که فاقد شماره صفحات است.
۸. شامل ۶ بخش فرعی: فهرست مدخل‌ها: خارجی به فارسی، فهرست مدخل‌ها: فارسی به خارجی، نمایه (فهرست موضوعات و نام‌های خاص)، فهرست واژه‌ها و اصطلاحات: خارجی به فارسی و سرانجام، فهرست واژه‌ها و اصطلاحات: فارسی به خارجی
۹. البته همین شباهت را در صفحه‌آرایی کتاب هم — برای نمونه، در دو سطری که زیر عناوین اصلی هر بخش و هر مدخل الفبایی وجود دارد — می‌بینیم که تقریباً از چاپ انگلیسی الگوگیری شده است.
۱۰. عنوان بالای صفحه متن انگلیسی چنین است:

THE BLACKWELL **PHILOSOPHER** DICTIONARIES

در حالی که در چاپ فارسی به این صورت آمده است:

THE BLACKWELL **PHILOSOPHERS** DICTIONARIES

۱۱. معادل‌های پیشنهادی برای این واژگان، به ترتیب عبارت‌اند از: تن‌کردشناسی یا تن‌کارشناسی، سازوکار، تصور یا مفهوم، بند معنایی، حروف چینی، سامان‌مند یا منظومه‌وار، الگو، ماشینی یا ماشین‌وار، نمایشی، فرصت، مسیر، و اندام‌وار.
  ۱۲. البته گفتنی است که معدودی از صاحب‌نظران آوردن این دو را با هم غلط نمی‌دانند و در این خصوص، نمونه‌هایی را از متون کهن — بیشتر منظوم — نیز در تأیید نظر خود می‌آورند. ولی حتی به نظر همین معدود افراد نیز بهتر است این دو را با هم نیارویم.
  ۱۳. در بند نخست صفحه ۸۵، که ۶ سطر بیشتر نیست، ۵ کلمه ظاهراً، عملاً، کاملاً، کاملاً و غالباً آمده است.
  ۱۴. مانند «اصل تکافؤ علی» در صفحه ۴۲، سطر ۵ و «دایرة المعارف» در صفحه ۱۰۰، سطر ۳.
  ۱۵. مانند واژه‌های «اشیا» و «اشیاء» در سطر دوم از بند آخر صفحه ۷۳.
  ۱۶. چنان‌که در چاپ فارسی، در روی دیگر جلد از سمت چپ و به انگلیسی آمده است.
  ۱۷. بنگرید به بخش ۱.۲.۱.
  ۱۸. بنگرید به صفحه ۱۳، شماره ۹، و بخش ۲.۲.۲، شماره ۱ از همین مقاله.
  ۱۹. گفتنی است که نویسنده تقریباً در همه مدخل‌ها، مطالبی را از دکارت آورده است که مترجم همه آن‌ها را از متن اصلی جدا کرده و به صورت بند مستقلی درآورده است تا جایی که گاه در یک صفحه ۲۰ سطری شاهد ۴ یا ۵ بند هستیم. برای نمونه، می‌توان به صفحات ۹۳ و ۱۴۹ ترجمه مراجعه کرد.
  ۲۰. برای این واژگان به همان ترتیب مذکور در متن، این معادل‌ها را می‌توان پیشنهاد کرد: تجدد، شرح، اثبات حقایق هندسی، اصیل، ادا کردن و برزبان آوردن، روی کرد یا ره‌یافت، راه‌کار یا رویه، صدق یا حقیقت، و سرانجام القاب و عناوین.
  ۲۱. ترجمه پیشنهادی: «این چیزی است که دکارت معتقد بود یک دستگاه محرک — پاسخ ساده چه ماشین‌های مصنوعی چه حیوان — ماشین‌ها، به‌هیچ‌روی از عهده تقلیدش بر نمی‌آیند».
  ۲۲. ترجمه پیشنهادی: «دارم می‌اندیشم پس وجود دارم».
23. AT VII 27; CSM II 18
۲۴. گفتنی است کتاب دکارت اثر کاتینگم را نگارنده مقاله پیش رو به فارسی برگردانده و نشر نی منتشر کرده است.
  ۲۵. افزوده نگارنده مقاله.
  ۲۶. البته مترجم محترم، گاه عنوان رساله را درون قلاب می‌گذارد و گاه بی‌توجه به این‌که در متن اصلی چنین چیزی نیست، بدون قلاب می‌آورد.

## منابع

- دکارت، رنه (۱۳۸۱). *تأملات در فلسفه اولی*، ترجمه احمد احمدی، تهران: سمت.
- دکارت، رنه (۱۳۸۳). *گفتار در روش*، ترجمه محمدعلی فروغی، برگرفته از کتاب *سیر حکمت در اروپا*، محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- دکارت، رنه (۱۳۸۴). *اعتراضات و پاسخ‌ها*، ترجمه علی موسائی افضلی، تهران: علمی فرهنگی.
- کاتینگم، جان (۱۳۹۰). *فرهنگ فلسفه دکارت*، ترجمه علی افضلی، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- کاتینگم، جان (۱۳۹۲). *دکارت*، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: نشر نی.
- مجیدی، فریبرز (۱۳۸۸). *فرهنگ تلفظ نام‌های خاص*، تهران: فرهنگ معاصر.

- Cottingham, John (1989). *Descartes*, by Basil Blackwell, Oxford and New York.
- Cottingham, John (1993). *A Descartes Dictionary*, by John Cottingham, The Blackwell Philosopher Dictionaries, 1<sup>st</sup> edition.
- Descartes, Rene (1991). *The Philosophical Writings of Descartes*, trans. J. Cottingham, R. Stoothoff and D. Murdoch (CSM). 2 vols. Cambridge University Press, fifth edition.
- Descartes, Rene (1991). *The Philosophical Writings of Descartes*, volume III, *The Correspondence*, trans. J. Cottingham, R. Stoothoff and D. Murdoch, A. Kenny (CSMK). Cambridge University Press, fifth edition.
- Woronoff, Jon (editor) (2003). *Historical Dictionary of Descartes and Cartesian Philosophy*, by Roger Ariew, Dennis Des Chene, Douglas M. Jesseph, Tad M. Schmaltz and Theo Verbeek (Historical Dictionaries of Religions, Philosophers, and Movements; NO. 46), The Scarecrow Press, Inc.